



دو نگاه

مدینه‌ی فاضله در جستجوی هماهنگی با نظام عالم است. اما در اتوپیا هماهنگی با امری بیرون از وجود بشر مطرح نیست، بلکه نوعی گسست از نظم برین و جدایی از زمان و مکان را می‌بینیم.

## زیبا شهر فانتزی

محمد خندان

### اشاراتی در باب اتوپیا و اتوپییای تبلیغاتی

کرد. مسافر «ناکجاآباد» شیخ اشراق، روح انسان است که باید از «ملک تن» عزم سفر کند و با طی «قوس صعودی» به موطن اصلی خود، یعنی ارض ملکوت برسد. از این منظر ماجرای صعود به «ناکجاآباد»، ادیسه‌ی روح است: آن «طائر گلشن قدس» که در «دامگه حادثه» افتاده بود، در ضمن این سفر دوباره به گلشن قدس می‌کوچد و این گلشن قدس، همان «ناکجاآباد» شیخ اشراق است. اما اتوپییای غربی کاری با ماوراء و موطن حقیقی آدمی و مسکنی داشتن انسان در جوار قدس ربوبی ندارد، بلکه در «حسرت» آن است که بهشت موعود ادیان را در زمین متحقق کند و اگر برخی از متفکران غربی گفته‌اند که اتوپیا دارای ریشه‌های یهودی-مسیحی است، همین ایده‌ی ساختن «بهشت مبدل» در زمین را مد نظر داشته‌اند که آبخورش مفهوم «باغ عدن» در دیانت یهودی و مسیحی بوده است.



۲. در برخی متون غربی، بین utopia و eutopia (اتوپیا) ترادف برقرار می‌شود. eutopia نیز دارای ریشه‌های یونانی است. واژه‌ی εὐ [ε=] در یونانی به معنی «خوب» و «نیک» است، چنانکه در εὐ αγγελίον [ε=] «اُئو آنگلیسون» پیغام نیکو، خبر خوش [یا εὐ ζην] «اُئو زن» زندگی خوب، حیات نیک [ دیده می‌شود. بر این اساس، «اتوپیا» همان «اتوپیا» است. اینکه برخی اتوپیا را به «نیک‌شهر» یا «آرمانشهر» ترجمه کرده‌اند، به همین دلیل بوده است.

بدین ترتیب اتوپیا جایی است که در آن روابط و مناسبات حسنه و نیکو در تمامی جهات دیده می‌شود. تامس مور نیز اتوپیا را به همین معنی بکار برد. در نظر او، اتوپیا بالاترین درجه‌ی کمال و تمدن است. این کمال در درجه‌ی اول در «امنیت» جلوه می‌کند و بعد در همسانی (همسانی در قانون، آداب و رسوم، زبان و...).

۱. «اتوپیا» آوانویسی فارسی کلمه‌ی انگلیسی utopia (utopie در زبان فرانسه) است. این کلمه را در اصل تامس مور (۱۴۷۸-۱۵۳۵)، صدراعظم هنری هشتم، در قرن شانزدهم ابداع کرد و کتابی به همین نام نوشت. از حیث ریشه‌شناختی، واژه‌ی اتوپیا دارای منشأ یونانی است و مرکب است از پیشوند α [آلفا] و واژه‌ی τόπος [توپوس = مکان]. در زبان یونانی وقتی پیشوند α بر سر کلمه‌ای وارد شود، آن را منفی می‌کند و لذا معادل دقیق واژه‌ی اتوپیا، «لامکان» است، یعنی مکانی که هنوز تحقق نیافته و مصداقی در جهان خارج برای آن نمی‌توان ذکر کرد. بر همین اساس برخی معادل فارسی «ناکجاآباد» را برای آن پیشنهاد کرده‌اند. عبارت «ناکجاآباد» از حیث تحت‌اللفظی معادل درستی برای اتوپیاست، مع الوصف استعمال آن در ترجمه‌ی اتوپیا مناسب بنظر نمی‌رسد.

باید توجه داشت که کلمات بالاستقلال واجد معنی نمی‌شوند، بلکه در پیوند با نظریه‌ها و بینش‌ها و ساخت‌های فکری، فرهنگی، فلسفی و تاریخی، معنی خود را پیدا می‌کنند و اگر ما بدون توجه به سابقه‌ی تاریخی استعمال کلمات در یک زبان، آنها را بنحو دلخواهی بکار بگیریم، زبان را که خانه‌ی وجود و از آنجا مأمن ذات انسان است، آشفته کرده‌ایم و امکان تفکر را از خود و دیگران سلب نموده‌ایم و بر حیرانی‌ها و سرگردانی‌ها افزوده‌ایم.

اصطلاح «ناکجاآباد» در زبان فارسی توسط شیخ شهاب‌الدین سهروردی و در سیاق حکمت اشراق ساخته و پرداخته شد. «ناکجاآباد»، سرزمین روح و ارض ملکوت و عالم مثال است، حال آنکه اتوپیاها‌ی غربی، «جایی» در همین نشئه‌ی دنیایی‌اند که می‌بایست با اتکا به عقل خودبنیاد کارافزا بدان رسید یا آن را ایجاد

هستی است. مدینه‌ی فاضله در جستجوی هماهنگی با نظام عالم است. اما در اتوپیا هماهنگی با امری بیرون از وجود بشر مطرح نیست، بلکه نوعی گسست از نظم برین و جدایی از زمان و مکان را می‌بینیم که می‌تواند شورش علیه وضع موجود به حساب آید. از اینجاست که کسانانی مانند کارل مانهایم (۱۳۸۰) اتوپیا را در مقابل ایدئولوژی قرار می‌دهند. از چنین منظری ایده‌های اتوپیا، ایده‌هایی انقلابی و علیه وضع موجودند.<sup>۷</sup> اما ایده‌های ایدئولوژیک، ایده‌هایی محافظه‌کارانه و حافظ وضع موجودند. البته چنین حکمی در محدوده‌ی نزاع مدرن انقلاب/اصلاح (سرمایه‌داری/مارکسیسم؛ بورژوازی/پرولتاریا) صادق است و نباید آن را مطلق انگاشت. در تحلیل نهایی، اتوپیا-خواه لیبرالیستی، خواه سوسیالیستی-از قرن ۱۸ به بعد در جهت تثبیت وضع خوددیندانه‌ی تمدن مدرن بوده است.

#### دو نگاه

در مالیکولیا فرد با فقدان ابژه‌ی میل مواجه می‌شود، ولی قادر نیست با این فقدان کنار بیاورد. این وضع مالیکولیاتی در «دستیویا» ظاهر می‌شود.

۴. همان‌گونه که گفته شد اتوپیا نوعی «فانتزی» است. فروید می‌گفت که اگر کودک در حرمان ناشی از واقعیت، توسط «بازی» فضایی حفاظت‌کننده برای خود به وجود می‌آورد، فرد بالغ به «فانتزی»‌های خود پناه می‌برد تا خسارات ناشی از حرمان را جبران کند (آسون، ۱۳۸۶، ص ۱۰۱). اتوپیا پناه بردن بشر غربی به فانتزی است تا ابژه‌ی میل (رفاه، خوشی، فراوانی، عدالت، نظم، از میان برخاستن درد و فقر و مرگ و...) که در عالم واقع از او دریغ شده است، بازیافته شود. البته منظور از اینکه می‌گویم اتوپیا فانتزی بشر غربی است بدان معنی نیست که اتوپیاها ربطی به تاریخ و وضع تاریخی بشر غربی نداشته‌اند. در اتوپیاها غربی بنحوی تقدیر تاریخی بشر فوستی و پرومته‌ای مشخص گردیده، اما به بهایی که فاوست و پرومته جهت کسب علم و قدرت می‌بایست پردازند فکر نشده است و از اینروست که تأکید می‌کنم در اتوپیا کمتر به امکان‌ها و حدود توانایی بشر فکر شده و اتوپیا نوعی فانتزی است.

این فانتزی در قرون ۱۶ الی ۱۹ ایفای نقش می‌کرد، اما اکنون به نوعی مالیکولیا بدل شده است. در مالیکولیا فرد با فقدان ابژه‌ی میل مواجه می‌شود، ولی قادر نیست با این فقدان کنار بیاورد. این وضع مالیکولیاتی در «دستیویا»<sup>۸</sup> (فی‌المثل «دنیای قشنگ نو» اثر آلدوس هاکسلی و «۱۹۸۴» اثر جورج ارول) ظاهر می‌شود. دستیویا جایی است که در آن، افراد دارای زندگی‌ای غیرانسانی و خانفانه‌اند. دیکتاتوری توتالیتیر، تکرم و توجیه خشونت، نشستن تکنیک به جای انسانیت و حالت کابوس‌گونه‌ی جریان‌های اجتماعی و پژوهشی دست‌یویاست. دستیویا، اتوپیا و وارونه است. اگر در اتوپیا نظمی معقول داریم که در آن هر چیزی سر جای خودش است، در دستیویا با عالمی هوابه‌زده و آشفته مواجهیم که در آن دیگر هیچ چیز سر جای خودش نیست. آن آرمان‌هایی که قرار بود در اتوپیا تحقق یابند، در دستیویا بنحو معکوس ظاهر می‌شوند (بعنوان مثال، نظم و عقلانیت و رفاه به کنترل و توتالیتاریسم و جاسوسی بدل می‌شود). این ظهور معکوس، مجسم‌کننده‌ی وضعی مالیکولیاتی است که ناشی از مواجهه‌ی بشر غربی با فقدان آرمان‌های اتوپیا است.

۵. یکی از واژه‌هایی که اخیراً به جمع واژه‌های مرتبط با مقوله‌ی اتوپیا پیوسته، واژه‌ی «اد-توپیا» [=ad-topia] است. ad-topia مخفف advertising utopia (اتوپیا تبلیغاتی) است. «اد-توپیا» روایتی اتوپیا از زندگی است که توسط تبلیغات رسانه‌های توده‌گیر،<sup>۹</sup>

علم، تکنیک، نظم و عقلانیت (روویون، ۱۳۸۵، ص ۴۶). در مجموع «آرمان»‌های اتوپیا را می‌توان این‌ها دانست: تشکیل جامعه‌ای نیک و زیبا با نگرش‌های آرامش‌طلبانه،<sup>۱۰</sup> از بین بردن فقر و فلاکت و دست‌یافتن به وفور و فراوانی و ثروت، وجود حداقلی قوانین محدودکننده، فراهم کردن این امکان برای انسان‌ها که به کارهایی بپردازند که از آن لذت می‌برند و رسیدن به صلاح عامه را تسهیل می‌کند، برانداختن رنج و مرگ به کمک علم و تکنیک، وجود هیأت حاکمه‌ای که نظم را در سرتاسر جامعه ساری و جاری کند و عدالت را برقرار نماید. اینها «آرمان»‌های اتوپیا است.

البته معنایی که در این مقاله از واژه آرمان مدنظر است نیازمند قدری توضیح می‌باشد. در زبان فارسی معاصر، لفظ «آرمان» به معنی غایات و اهداف والا و بعضاً صعب‌الوصول بکار می‌رود و هنگامی که اتوپیا را به «آرمانشهر» ترجمه می‌کنند، مرادشان این است که در اتوپیا غایات و اهداف والا تحقق می‌یابد. اما تا همین یک قرن اخیر، واژه‌ی «آرمان» بدین معنی بکار نمی‌رفته است، بلکه به معنی «حسرت» و «آرزو» بوده است و من نیز آرمان را به همین معنی بکار می‌برم. اتوپیا را بدان اعتبار می‌توان «آرمانشهر» نامید که مبتنی بر نوعی نگاه «حسرت‌خوارانه» و «آرزوآندیشانه» به آینده است؛ حسرت دنیایی امن و آباد و آزاد و مرفه و به دور از رنج و مرگ که بشر در آن فارغ از تاریخ و درد خودآگاهی به رتق و فتق مسائل روزمره‌اش مشغول است. در این نگاه حسرت‌خوارانه، توجهی به امکان‌های تاریخی و تناهی وجود بشر نمی‌شود و لذا اتوپیا نوعی «فانتزی» است.

۳. برخی از انواع نوشته‌ها و متون را می‌توان دارای مضامین اتوپیا دانست. مثلاً داستان‌های علمی-تخیلی که به جایگاه علم در دگرگون کردن وضع انسان و رابطه‌ی او با طبیعت و محیط و با انسان‌های دیگر نگاه اتوپیا دارند. نوع دیگری از این متون تحت عنوان «اوشرونی»<sup>۱۱</sup> شناخته می‌شود. این واژه را شارل رونوویه<sup>۱۲</sup> ابداع کرد. او می‌خواست ببیند بر فرض اینکه ناپلئون در جنگ واترلو پیروز می‌شد، اروپا چه صورتی می‌داشت. اما اوشرونی را نمی‌توان عین اتوپیا دانست، چراکه در اوشرونی کمال را در «همین‌جا» منتهی در «زمانی دیگر» می‌جویند اما در اتوپیا تحقق کمال مطلوب هم به «مکان» و هم به «زمان» دیگری حواله داده می‌شود (روویون، ۱۳۸۵، ص ۱۶).

نگاه اتوپیا به آینده است و همین وجه تمایز آن از گروه دیگری از متون است که آنها را تحت عنوان «کالیپولیس»<sup>۱۳</sup> یا «مدینه‌ی فاضله» می‌شناسیم. در لغت یونانی واژه‌ی καλον [=کالون] به معنی زیبایی و واژه‌ی πόλις [=پولیس] به معنی شهر (مدینه) است و لذا می‌توان کالیپولیس را به «زیباشهر» یا «مدینه‌ی فاضله» ترجمه کرد. مدینه‌ی فاضله (فی‌المثل «سیاست‌نامه» اثر افلاطون، «آراء اهل المدینه الفاضله» اثر ابونصر فارابی و «مدینه‌ی الهی» اثر سن‌آگوستین) را نباید با اتوپیا اشتباه گرفت.<sup>۱۴</sup> در مدینه‌ی فاضله، نوعی نظم برین و ملکوتی [=معنوی=ایدئال] وجود دارد که نظام مدینه باید مطابق آن شکل گیرد و هرکس به آن کاری بپردازد که برای آن اهلیت دارد و گوش هوش به پیام رئیس اول مدینه داشته باشد که در نظر افلاطون عالم به جهان مثل و مظهر ایده‌ی خیر و در نظر فارابی متصل به عقل فعال و مستفیض از مدد فیض اوست. مدینه‌ی فاضله از آثر و مطلوب دانسته می‌شود که بر خلاف مدینه‌ی جاهله یا فاسقه، می‌تواند انسان را به زندگی سعادت‌مندانه برساند و این زندگی سعادت‌مندانه زندگی بر وفق نظم برین و سلسله‌مراتب

دو نگاه

در «آد-توپیا» نحوی  
تمنای حیات  
جاودانه نیز دیده  
می شود: تأکید بر  
زیبایی جسمی و  
ناسوتی و جوان  
ماندن یا فرار از پیری  
و مرگ بواسطه‌ی  
جراحی زیبایی  
و انواع و اقسام  
شامپوها و کرم‌ها و  
لوازم آرایشی.

فضای نمادین زندگی بشر مدرن و پست مدرن را می‌آکند. «آد-توپیا» روایتی را برای ما می‌سازد که بر طبق آن، مصرف «مفتاح الفلاح» و «مفتاح الجنان» دانسته می‌شود. مطابق این روایت، کمال مطلوب زندگی در آدم‌هایی تصویر می‌شود که خودمحور، مسرف و مادی‌اند. این آدم‌ها گرچه خودخواه و خودمحورند-آدم‌هایی که دغدغه‌ی انفاق یا دستگیری از بیچارگان را ندارند، بلکه غایت قصوایشان خرید و وسایلی است که برایشان آسایش و رفاه و تشخیص به دنبال بیاورد- اما خودخواهیشان بصورت فضیلت جلوه‌گر می‌شود، چراکه در جهانی زندگی می‌کنند که هر چه بخواهند در سوپرمارکت‌ها و فروشگاه‌های زنجیره‌ای- که اینک جای دیر و کشت و صومعه و مسجد را گرفته و نقطه‌ی عروج جسمی و روحی به وادی ایمن مصرف‌گرایی است- مهیاست. فضای پر زرق و برق و شیک و لوکسی که از فروشگاه‌ها در «آد-توپیا» تصویر می‌شود، بدیلی برای شکوه و جلال و جمال (آینه کاری‌ها، اسلیمی‌ها و...) مکان‌های مقدس است. این فضاهای شیک، ضمن آنکه فقر و درد و رنجی که در زیر پوست شهرهای مدرن پنهان است را می‌پوشانند، دال بر تحقق «جنه‌النعم» در همین حیات دنیوی و استغنائی بشر از بهشت اخروی است.

در «آد-توپیا»یی که ساخته و پرداخته‌ی صدا و سیمای جمهوری اسلامی است، تصویر مطلوب از انسان اینگونه است: اگر کودک باشد، کودکی با موهای طلایی، چشمان آبی، پوست سفید و لباس‌های مرتب و تمیز است که با اسباب‌بازی‌هایش مشغول بازی است و معمولاً در یک خانواده‌ی استاندارد چهار نفری (پدر و مادر و دو فرزند) زندگی می‌کند؛ اگر زن باشد زنی جوان با اندامی موزون و چهره‌ای زیباست که لباس‌های روشن پوشیده و در خانه‌ای با همه‌گونه وسایل راحتی (مایکروفر، ماشین لباس‌شویی و ظرف‌شویی، یخچال سایده‌بای‌ساید، سینمای خانوادگی، اتو، جاروبرقی، انواع لوازم آرایشی و بهداشتی، مبلمان کامل با طراحی مد روز و...) زندگی می‌کند و شوهرش مرد جوانی است که قیافه‌ی نوعی جوان بورژوازی تهرانی را دارد (موی کوتاه روغن‌زده‌ی براق، صورت تراشیده، عینک بدون قاب، کت و شلوار مد روز و الخ) و صاحب خانه، ماشین و احياناً ویلاست و خلاصه کار و بارش سکه است. تصویری که از زن ساخته و پرداخته می‌شود، زنی است که وجودش طفیل وجود مرد است: زنی که یار و یاور مرد است و کارهای خانه را رسیدگی می‌کند. این نقش از طریق تصویر کردن زن در موقعیت‌های کلیشه‌ای مانند شستن ظرف و لباس و جارو کردن منزل و غذا دادن به کودک تثبیت می‌شود و اگر احياناً از این همه کار خسته شود وسایل خانگی از قبیل ماشین لباس‌شویی، جاروبرقی و حتی مایع ظرف‌شویی «با قدرت پاک‌کنندگی بالا» در نقش منجی ظاهر می‌شوند.

در «آد-توپیا» نحوی تمنای حیات جاودانه نیز دیده می‌شود: تأکید بر زیبایی جسمی و ناسوتی و جوان ماندن یا فرار از پیری و مرگ بواسطه‌ی جراحی زیبایی و انواع و اقسام شامپوها و کرم‌ها (نرم‌کننده، مرطوب‌کننده، ضد آفتاب و الخ) و لوازم آرایشی. آدم‌های قشنگ و شسته و رفته‌ای که در «آد-توپیا» بر صحنه ظاهر می‌شوند، هیچ دغدغه‌ی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و دینی‌ای ندارند و فقط در جستجوی فراغت و لذت و خوشی‌اند. صحنه‌هایی که در آنها گروهی از جوانان به کوه یا جنگل می‌روند و با خود هله‌هوله‌هایی مانند چیپس و پفک و شکلات و نوشابه و دلستر را به همراه می‌برند، و از طریق مصرف آنها به قدرت و لذت و بهجت می‌رسند، تثبیت‌کننده‌ی چنین دالی است.

در این «آد-توپیا» فقر و فلاکت وجود ندارد. تصویر پیرمردی که برای نوه‌ی خردسالش حساب بانکی باز می‌کند و بدین ترتیب آینده‌ی او را تضمین می‌کند، دال بر این است که نظام بانکداری نوین مانع از آن می‌شود که شما و فرزندانتان در آخر عمر «کاسه‌ی چه‌کنم چه‌کنم» به دست بگیرید. این تصویر با ایده‌ی «عاقبت به خیر شدن» نیز پیوند می‌یابد، بدین معنی که کسی عاقبت به خیر است که پول‌هایش را در بانک سرمایه‌گذاری کند. البته در «آد-توپیا» شما می‌توانید با بازکردن «حساب قرض‌الحسنه» وجدانی راحت را نیز برای خود رقم بزنید. تأکید بر اینکه با بازکردن حساب قرض‌الحسنه به هموعان‌تان کمک نموده‌اید و ضمن شرکت در قرعه‌کشی از «اجر معنوی» نیز بهره‌مند شده‌اید!، تصویرگر جامعه‌ای متعاون است که انسان‌ها برای کمک به هموعان از هیچ کوششی دریغ نمی‌کنند. البته این تصویر کارکرد دیگری هم دارد و آن اینکه، به جریان افتادن پول‌های قرض‌الحسنه در سرمایه‌گذاری‌های دولتی و خصوصی و نیز سرازیر شدن آنها به جیب افراد متمول که در اخذ وام‌های کلان از بانک‌ها و بعضاً عدم بازپرداخت آنها مهارت دارند را از نظرها پنهان می‌کند.

در «آد-توپیا» نوعی تقید به دیانت نیز دیده می‌شود: دیانتی وارونه. در این دیانت وارونه، افراد از طریق مصرف و اتحاد با کالاها، به «فنا» می‌رسند. کالاها تبدیل به بت می‌شوند و مردم به مذهب بت پرستی می‌گروند؛ آنها از کالاها توقع آثار معجزه آسا و شفا دهنده دارند. مثلاً تلویزیون‌ها یا مانیتورهایی با صفحه‌ی مسطح که می‌توانند ما را به جهان اخبار و اطلاعات و فیلم و سرگرمی وارد کنند و با کیفیت بسیار بالایشان ما را در تماس مستقیم با واقعیت قرار دهند. نمونه‌ی دیگر تلفن همراه است؛ چراکه موبایل از «رگ گردن» به انسان نزدیک‌تر است. در اینجا برخی از ایده‌ها درباره‌ی خدا به موبایل نسبت داده می‌شود. در تبلیغات «همراه اول» از این عبارت استفاده شده است: «دیگر هیچ کس تنها نیست». تعبیری که در قرآن درباره‌ی نزدیکی خداوند به انسان آمده این است که «تَحْسَبُ أَنَّ نَفْسًا إِتَّيَسَّرَ لِنَفْسٍ أُخْرَىٰ» (ق-۱۶) و یا در جای دیگری این تعبیر شده است که «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَمَا كُنْتُمْ» (حدید-۴). حال در ارتباط با تلفن همراه، چنین تعبیرات خداگونی بکار می‌رود، گویی که موبایل بر انسان «احاطه‌ی قیومی» دارد؛ در «آد-توپیا» کالاها شأن الوهی می‌یابند.

اما با همه‌ی این تفاسیل، «آد-توپیا» جنبه‌ای محافظه‌کارانه و حافظ وضع موجود دارد، چراکه مطابق آن، ما همین حالا در جامعه‌ای تکنوکرات و مرفه زندگی سعادت‌مندانه‌ای داریم که بر اساس مالکیت خصوصی، بازار و مصرف کالا بنا شده و نیازی به ایجاد تغییر در آن نیست.



در باره‌ی کنترل مولید می‌گوید، با آنچه کامپانلا در «شهر خورشید» درباره‌ی نظارت بر زاد و ولد و کنترل روابط جنسی بیان می‌کند مشابهت بسیار دارد. لذا به اعتباری می‌توان «سیاست‌نامه» را سرآغاز نگاه اتوپیا در غرب دانست، گرچه اتوپیا به معنی خاص کلمه به اومانیم رنسانس و مدرنیته تعلق دارد.  
۷- status que  
۸- dystopia  
۹- mass media

۱- شناسید اینکه اغلب اتوپیاها، از جمله «اتوپیا»ی مور و «آتلانتیس جدید» بیکس جزیره‌هایی دورافتاده در وسط اقیانوسند، جهت دوری از بیگانگان و تضمین همین امنیت بوده باشد.  
۲- pacifistic  
۳- uchronie  
۴- Charles Renouvier (1815-1903)  
۵- callipolis  
۶- البته منکر نمی‌توان شد که در «سیاست‌نامه»ی افلاطون ایده‌های اتوپایی دیده می‌شود. مثلاً آنچه افلاطون